



جایگاه و کاربرد هنر آجرکاری در معماری ایران از قرن 4 تا 6 هجری با تأکید بر دین و سیاست

معصومه سادات نظم

کارشناسی ارشد تاریخ، دبیر تاریخ

NazmBojnordi@yahoo.com

چکیده

آجرکاری بعنوان یک هنر تزئینی در معماری ایران، جایگاه ویژه‌ای دارد و در بناهای معماری در شهرهای ایران اسلامی قابل مشاهده است. در این پژوهش به بررسی جایگاه و کاربرد هنر آجرکاری در معماری ایران از قرن 4 تا 6 هجری پرداخته شده است. دوره‌ای که به عصر طلایی و ابداع اولین مکتب هنری ایران دوره اسلامی معرفی می‌گردد. بررسی کاربردی هنر آجرکاری در معماری ایران، بیان ادوار تاریخی هنر آجرکاری و مقایسه آنها، نقوش و سبک آجرکاری و کاربرد آن در بناهای مذهبی و غیر مذهبی مورد توجه بوده است. جایگاه هنر آجرکاری در معماری ایران، موجب تحول این هنر در قالب طرح‌ها، نقوش و سبک‌های متعدد گردیده است. این مسئله گذشته از استعداد و ذوق هنرمندان، در توجه به دین و نیز حکومت و سیاست تأثیر داشته است. وجود ابنیه‌های فراوان با کاربرد هنر آجرکاری موجب رونق و شکوفایی شهرهای ایران نیز گردیده است. رونق هنر آجرکاری ایران در قرن 4 تا 6 هجری بسیار عمیق بوده و در دوره‌های بعد نیز تأثیر بسزایی داشته است. روش پژوهش بصورت تاریخی، براساس توصیفی و تحلیلی موارد می‌باشد.

واژگان کلیدی: آجرکاری، کاربرد، معماری ایران، دین و سیاست



مقدمه

هنر آجرکاری به عنوان یک هنر تزئینی در نزد ایرانیان مورد توجه بوده است. این هنر بیان کننده استعداد و هنرمندی هنرمندان، سیاست های حکومت ها و اعتقادات دینی در مسیر تاریخ معماری ایران بوده است. با توجه به اهمیت هنر آجرکاری و تحولات آن در تاریخ معماری ایران، بررسی آن بسیار مهم می باشد. کاربرد و جایگاه هنر آجرکاری در معماری ایران به عنوان یک هنر تزئینی، در زیباسازی و استحکام بنا، مورد توجه بوده است.

ابداع انواع سبک و نقوش در هنر آجرکاری نشان از توجه ایرانیان به این هنر تزئینی می باشد. هنر آجرکاری در قرن 4 تا 6 هجری رونق خاص یافته که تحت تأثیر عواملی چون ذوق هنری هنرمندان، حمایت حکومت ها و باورهای دینی قرار گرفته و آثاری در قالب بناهای مذهبی و غیر مذهبی را نمایان ساخته است. در این راستا سوال اصلی تحقیق بررسی جایگاه و کاربرد هنر آجرکاری در معماری شهرهای ایران اسلامی و عوامل موثر در رونق آن در قرون 4 تا 6 هجری می باشد. نقد و بررسی جایگاه و کاربرد هنر تزئینی آجرکاری با توجه به عوامل متعدد و موثر در آن هدف اصلی تحقیق می باشد. عوامل فوق، سیاست حاکمان، امراء، اعتقادات و باورهای دینی افراد به عنوان عوامل موثر در رشد هنر تزئینی آجرکاری مورد تأکید و توجه قرار گرفته است.

جایگاه هنرهای تزئینی در معماری ایران

در طول تاریخ هنری بشر، معماری یکی از نشانه های فرهنگی ملت ها به شمار رفته و از اهمیت زیادی برخوردار است. بناهای تاریخی هر ملت، در یک دوره، بخشی از کارنامه ای است که با آن زندگی می کردند و به فعالیت های فرهنگی می پرداختند (پیرنیا، 1374: 23). این بناها از یک سو، نشان دهنده بینش و نگرش آن ملت ها و از سوی دیگر، بیان کننده ضعف یا قدرت آن ها می باشد. البته قصد ما در این بخش، بررسی معماری نیست، بلکه بحث ما در ارتباط با تزئینات به کار رفته در ابنیه قرون 4 تا 6 هجری در ایران می باشد. اما برای درک این مسئله، باید ابتدا، هنر و معماری اسلامی و اهمیت آن را درک نمود تا به بررسی تزئینات آن پرداخت. با آغاز اسلام، هنر و معماری جلوه خاصی پیدا کرد و تحولاتی در آن پدید آمد که از آن، به معماری اسلامی یاد می شود. معماری اسلامی ارتباط بنیادی با فرهنگ و جهان بینی دینی داشته که بهترین نمونه آن، در مسجد خلاصه می گردد. با گسترش اسلام و آشنایی با فرهنگ های مختلف در ابنیه تاریخی تنوع ایجاد شد، که نمود آن را در آرامگاه ها، مقابر، کاخ ها و مدارس می توان دید. روند هنر معماری اسلامی با به قدرت رسیدن خلفای اموی و عباسی گسترده تر و متنوع تر گردیده، بخصوص، زمانی که مقر حکومت خلفا به بغداد منتقل شد و تأثیرپذیری زیادی از ایرانیان پذیرفت.

با ورود اسلام به ایران، هنر معماری که قدمت طولانی و مستحکمی در این سرزمین داشت، جنبه اسلامی گرفت و دوره جدید این هنر به نام معماری اسلامی ایران آغاز شد (هوک، 1375: 20-21). ساختن بناهای مذهبی از جمله مساجد، مقابر و آرامگاه ها با توجه به شرایط جدید دینی گسترش یافت و در زمان حکومت های ایرانی علاوه بر این بناهای مذهبی، بناهای غیر مذهبی مانند کاخ، مدرسه و کاروانسرا نیز جزء معماری دوره اسلامی، با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی حکومت ها ساخته شد. این مسائل نشان از توجه و اهمیت به هنر و معماری اسلامی در ایران و رونق آن می باشد. در کنار ساختن بناهای مختلف، تزئینات به کار رفته در آن نیز بسیار مهم بوده است.

پوشش بنا در معماری مسئله مهمی بود که معماران را به خود مشغول داشته، به خصوص ایرانیان که دارای ذوق هنری فراوان هستند. تزئینات به کار رفته در روی بناهای جدید، چون مسجد که بنای ضروری اسلام می باشد و دیگر بناها مانند کاخ ها، مدارس، مقابر و کاروانسراها جلوه ای خاص و متفاوت تر یافت. در واقع تزئین بناهای ایرانی با توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فرق می کند و سیر تحولی را پشت سر



گذاشته است (نصیری انصاری، 1350: 159). تفاوت‌های موجود در تزئینات را در سیر تحول هنرهای تزئینی می‌توان دید، چنان‌که سادگی تزئین بناهای قرون اولیه تا پیچیدگی تزئینی بناهای سلجوقی، حکایت از آن دارد (هیل و گرابر، 1375: 52)، در اینجا تزئین پوشاننده حقیقت برای زیبایی‌ها نیست، بلکه تزئین هماهنگ سازی مصالح با فرم کلی و ایجاد طراوت و درخشش در بنا می‌باشد (باوندیان، 1383: 217). در این تحول مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی، مذهبی بی‌تأثیر نبوده، چنان‌که معماران ایرانی هنر خود را در قالب معماری اسلامی به کار بردند و سپس در سیر تحول آن، حکومت‌های ایرانی نیز تأثیرات فراوانی را بر جای گذاشتند. در این پژوهش سعی شده به یکی از مهمترین و برجسته‌ترین هنرهای تزئینی معماری ایران در قرون 4 تا 6 هجری، آجرکاری پرداخته شود و سیر تحول آن را با توجه به موقعیت‌های حاکم بر جامعه از نظر نقش، طرح و سبک مورد بررسی قرار گیرد.

کاربرد هنر آجرکاری در معماری ایران

یکی از هنرهای تزئینی در معماری دوره اسلامی، آجرکاری می‌باشد که استفاده از آن، در ساخت و تزئین بنا، کاربردی طولانی داشته است. ساختن بناهای آجری در قلمرو اسلامی مورد توجه بود و از قلمرو شرق بخصوص، منطقه ایران، توسعه یافت. قدمت این هنر تزئینی در ایران، به قبل از اسلام می‌رسد و دلایل توجه و انتخاب از سوی ایرانیان، پایداری، با صرفه بودن، قابلیت بالای اجرایی و همچنین کارگیری آن در تمامی نواحی گسترده ایران بود (کیانی، 1376: 42).

آجر در معماری ایران فقط برای پرکردن جرزها و جداکننده آن‌ها از یکدیگر نیست، بلکه به عنوان یک عنصر کامل به کار رفته است. با توجه به سوابق تاریخی، ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد کاربرد آجر داشته و این مسئله به دوران باستان بر می‌گردد. زیرا آجر دارای جلوه و تزئینات زیبا در بنا می‌گردد که سنگ، توانایی تزئینی آن را ندارد (پوپ، 1382: 129). پس از طلوع آئین مقدس اسلام و به پایان رسیدن دولت ساسانی، احداث بناهای باشکوه شاهنشاهی چون گذشته، به شکل متداول ادامه نیافت و در عوض، بناهای مذهبی به عنوان اولین بناهای دوره اسلامی رونق یافت و کاربرد گسترده آجر آغاز شد (مصطفوی، بی‌تا: 55). این فرصتی بود، برای خلق زیبایی‌ها، در بناهای کم‌حجم و متوسط، که حتی در مناطق دورافتاده، که نه دسترسی به سنگ است و نه چوب، از آجر استفاده شود (کیانی، 1376: 44)، بنابراین کاربرد آجر به طور فزاینده افزایش یافت.

استفاده و کاربرد آجر در نواحی ایران متفاوت بوده، از یک سو آجر در مسجد اصفهان در سده پنجم هجری به عنوان ماده کار نسبتاً جدید ساختمان در غرب ایران ظاهر شد. از سوی دیگر، در سده سوم و چهارم هجری در نواحی شمال شرقی این ماده کار، کاربردی گسترده داشت (آیویل، 1371: 598/5). در واقع هنر آجرکاری از قرن سوم هجری از نواحی شرقی آغاز و در سده پنجم هجری به نقاط دیگر ایران منتشر شد. این هنر زیبا را در قسمت‌های مختلف بناهای مذهبی و غیر مذهبی دوره سامانیان تا سلجوقیان می‌توان مشاهده کرد. ایجاد **ستون‌های قطور** در مساجد این دوره، از ستون‌های ساده و بی‌آرایش مسجد تاریخانه (شکل 1)، تا ستون‌های مزین مسجد جامع اصفهان (شکل 2)، این مسئله را روشن می‌سازد که از آجر، با صلابت زیاد در ساختن ستون و تزئین آن استفاده شده است.



شکل 2



شکل 1



استفاده از آجر، در تزئین و ساختن گنبد نیز، دارای کیفیتی در حد اعلا و عظیم داشته و این نخستین نمونه تکنیکی است که در ایران عمومیت یافت. برای استفاده از این فن، کارهای بی نهایت زیبا و دل انگیز انجام گرفت (نصیری انصاری، 1350: 208) در مساجد زیادی از آجر برای برپا داشتن و یا تزئین گنبد استفاده شده و نمونه زیبایی آن را در مسجد رشتخوار می توان دید که برای استحکام و تزئین از هنر آجرکاری کمک گرفته شده، آجرها در سقف بنا به صورت بسیار زیبا چیده شده که هم از داخل بنا و هم خارج آن منظره زیبایی را پدید آورده است (مقری، 1359: 97). (شکل 3) در گنبد مراغه نیز چنین آجرچینی زیبا را می توان دید. (شکل 4) از دیگر کاربردهای آجر در بنا، استفاده آن در **ایوان مساجد** می باشد، که برای برپا داشتن ایوان های بزرگ کمک فراوانی می کرد. ایوان های بزرگ مسجد جامع اصفهان نمونه های عینی از این نوع کاربرد آجرکاری می باشد، که علاوه بر تزئین و زیبایی، نشانه ای از استحکام و بزرگ نمایی را نشان می دهد.



شکل 4



شکل 3

علاوه بر مساجد در مقابر قرون 4 تا 6 هجری نیز کاربرد آجر را می توان دید. آرامگاه امیراسماعیل در بخارا، برای این تصوّر طراحی و ساخته شد و در زمان خود نمونه ای برای توسعه معماری در آرامگاه های بعدی گردید (دوری، 1363: 13). هنر آجرکاری را علاوه بر مساجد و مقابر، در برج ها و مناره های این دوره، در نقاط مختلف ایران می توان دید، که با برج آرامگاه پیر علمدار در دامغان و برج لاجیم در مازندران، آغاز و تا سده پانزدهم میلادی ادامه یافت (پوپ، 1382: 86). **مناره هایی** که از دوره غزنویان در ایران ساخته شده و تا دوران مغول ادامه یافته از دیگر کاربردهای آجر در بناهای ایرانی می باشد. آجرکاری مناره مسعود سوم در شهر غزنه نمونه آن است، که دارای هنر آجرکاری تزئینی و ممتاز می باشد. این ویژگی در مناره های دوره سلجوقی به طور برجسته تر ادامه یافت (اتینگهاوزن، 1379: 60). مناره ها، بلند و کوتاه و با تزئینات فراوان ساخته شد. کاربرد آجرکاری را در برج مقبره های دوره سلجوقی که بسیار معمول بوده و با ظرفیت و تزئین فراوان برپا شده را نیز می توان دید (ویلسن، 1317: 159).

بهترین نمونه کاربرد آجرکاری را در مقبره های چهل دختران (شکل 5) و برج مقبره گنبد سرخ، که شاید بهترین آجرکاری در ایران و دنیا باشد می توان دید. کاربرد آجرکاری، گذشته از مصالح این بناها، در **تزئین** و ظرافت بخشی به آن ها نیز مورد توجه بوده و از آجر برای ساختن و تزئین ستون، طاق نما و گنبد به شکل های مختلف هندسی و خوشنویسی استفاده نمودند.



شکل 5



کابرد آجرکاری به بناهای مذهبی، چون مسجد، مقبره و یا بناهای یادبودی مانند برج و مناره ختم نمی‌شود، از آجرکاری در مصالح و تزئین بناهای غیر مذهبی چون مدارس، کاخ‌ها و کاروانسراها نیز استفاده شده است. این بناها بیشتر مربوط به دوره سلجوقیان می‌باشد. از آن میان به مدرسه خارگرد و رباط شرف در خراسان می‌توان اشاره نمود. کاربرد آجر در این بناها بصورت مصالح ساختمان و تزئین آن بوده است (گدار، 1366: 182/2). این مسئله را از روی آجرچینی قسمتی از بنای رباط شرف که در مقابل عوامل طبیعی باقی مانده، می‌توان دید.

آجرکاری تزئینی روی سر در ورودی ایوان رباط شرف به صورت اشکال هندسی، مورب (شکل 6) و به همراه کتیبه، صحنه‌ای از زیبایی و استحکام را بوجود آورده است (حاتم، 1379: 85). کاربرد هنر آجرکاری در بناهای مذهبی و غیر مذهبی قرون 4 تا 6 هجری بسیار گسترده بوده و همراه با استحکام و قدرت نمایی، تزئین و زیبایی را نیز به دنبال داشته است. برای درک صحیح از جایگاه هنر آجرکاری و کاربرد تزئینی آن در بناهای قرون سوم، چهارم تا ششم هجری باید به سر تحول هنر آجر کاری در ابنیه این دوره پرداخته و سبک‌ها، طرح‌ها و نقوش آجر را در بناها، مورد بررسی قرار داده تا اوج و شکوفایی این هنر تزئینی در دوران حکومت‌های ایرانی آشکارتر گردید.



شکل 6

ادوار تاریخی هنر آجرکاری در معماری ایران

هنر آجرکاری به عنوان یک هنر تزئینی در قرون 4 تا 6 هجری دارای تحولاتی می‌باشد که باید به بررسی آن پرداخته شود. ویژگی‌هایی که به اختصار، برای هر دوره برشمرده می‌شود، به آن مفهوم نیست که تمامی آثار آن عهد را شامل می‌گردد، بلکه نکات برجسته تری از خصوصیات آن دوره، که در تعدادی از آثار معتبر دیده می‌شود، ذکر می‌گردد. شیوه کار دوران قبل، یک باره از بین نمی‌رود، بلکه تغییر کرده و در تعدادی از بناها جلوه گر می‌شود. البته در سبک و ویژگی‌های هنری هر محدوده، مسائل مختلفی تأثیر دارد، توجه حاکمان از یک سو و رواج مذهب از سوی دیگر، از جمله آن موارد می‌باشد. هنر آجرکاری نیز، از این نظر مستثنی نیست و به عنوان مصالح ساختمانی و عامل تزئینی، تحت شرایط سیاسی و مذهبی قرار گرفته و متحول شده است (ماهرالنقش، 1380: 83). آثار گوناگون معماری از ایران دوره اسلامی، برجای مانده و ما شاهد نمونه‌های پر ارزش هنر استادکاران ایرانی در سطح‌های آجری، با طرح‌های متناسب و موزون هستیم (هیل و گرابر، 1375: 101).

اول می‌توان به رابطه موجود میان شکل بنا و تزئینات آن اشاره کرد که نوعی وحدت بین مصالح و طرح بنا ایجاد شده است (کیانی، 1376: 66).

آجر در نواحی مختلف بنا چون سردر ورودی، دیوارها و طاقگان مساجد، آرامگاه‌ها و بعضی از مناره‌ها، سطوح دیواری باشکوهی را به وجود آورده و نوعی حس حرکت و استحکام بخشیده است (اتینگهاوزن، 1378: 282). هنرمندان با ایجاد طرح و نقوش، حالتی قابل لمس تر پدید آورده‌اند (کاتلی، 1376: 32). بهترین نمونه این ویژگی، در آثاری چون، مقبره امیر اسماعیل سامانی در بخارا، برج‌های غزنین، گنبد قابوس، لاجیم و رسکت، پیر علمدار و غیره می‌باشد، که معماران با کمک جنبه‌های تزئینی آجرکاری توانسته‌اند به تأکید و



اهمیت بخشیدن، بر نقشه اصلی توفیق بیابند و در هنر آجرکاری تکامل بیشتری پدید آورند (کیانی، 1376: 66).

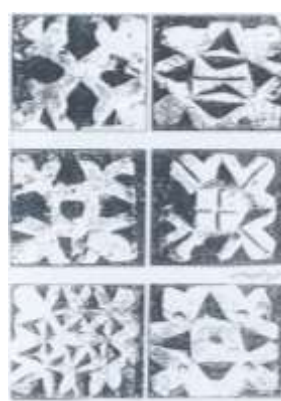
در زمینه سبک معماری، در چهار سده اول هجری، تأثیرپذیری از هنر و معماری ساسانی را در آثار بجای مانده آن، به وضوح می‌توان دید. بناهایی با دیوارهای ستبر و ستون‌های بلند که دارای تزئینات آجرکاری بودند (گشایش، 1382: 227). با این توضیح که در این دوره، ابتکارات جدید، معنای نداشت، تا قرون پنجم هجری، که هنر آجرکاری تحول و توسعه فوق‌العاده یافت. البته باید متذکر شد، هنرمندان در بناهای این دوره، استادانه تلاش کردند و نشانی از بی‌دقتی مشاهده نمی‌گردد، آن‌ها به آرایش و تزئین نیز اهمیت داده‌اند. در واقع سعی در حفظ ارتباط بین بنا و اشکال تزئینی آن دیده می‌شود، که باعث وحدت واقعی میان مصالح و سبک ساختمان شده است (ویلسن، 1366: 141). بنابراین قرون سوم تا پنجم هجری را می‌توان به عنوان «دوران شکل‌گیری و تکوین» یاد کرد. شکوفایی این هنر تزئینی دوره مورد نظر، در چهار ناحیه از ایران بزرگ تقسیم شده، که عبارتند از: ایران شرقی (افغانستان)، خراسان بزرگ (بخارا)، شمال و مرکز ایران. آثار به جای مانده معماری قرن چهارم هجری، از نظر ظرافت و تناسب آجرکاری، دارای ارزش شیوایی است. این مسئله با تکیه بر نمونه‌های، چون آرامگاه امیر اسماعیل سامانی و مسجد کاکویه جامع اصفهان و غیره آشکارتر می‌گردد (کیانی، 1376: 67)، در واقع هنر آجرکاری کم‌کم از سادگی به شکوفایی خود رسید.

تحول در طرح و نقوش هنر آجرکاری معماری ایران

هر اثر معماری می‌تواند با نقوش و اشکال مختلف شناسایی و جایگاه هنری آن را بهتر به نمایش بگذارد. از خصوصیات و ویژگی آجرکاری که بگذریم، به نقوش آجر در بناهای قرون سوم تا پنجم هجری می‌رسیم، که نگاره‌های گوناگون را بر جدار خارجی بنا ایجاد کرده‌اند (پوپ، 1382: 134). نقش‌های مقدماتی عبارتند از مربع، مثلث، دایره، کنگره، گل و بوته، مشبک و غیره (شکل 7) و همچنین برخی از اقسام نوارکشی پیش ساخته و کار گذاشته شده نیز به چشم می‌خورد. دیوارهای خارجی در بناهای قرن چهارم هجری، با این اشکال آجری و طرح‌های زیبا، چنان تزئین شده، که از دور مانند سبد بافته شده، به نظر می‌رسد (برند، 1999: 73). آرامگاه سامانی با این طرح و نقوش آجری ساخته و تزئین شده، البته (شکل 8) اگرچه نقوش تزئینی، متنوع بوده، اما پیوستگی و انسجام قابل‌تحسینی را ایجاد نموده است. از این نوع تزئین، بعدها غزنویان و سلجوقیان به فراوانی بهره‌گرفتند و در سرتاسر ایران توسعه دادند (بمباجی، 1376: 60).



شکل 8



شکل 7

هنر تزئینی آجرکاری در این ابنیه، به صورت یک رشته قاب بندی‌های تزئینی بوده، بعدها آرامگاه سنجر در مرو به سال 531 هجری نیز از چنین تزئینات آجرکاری استفاده شده است (اتینگهاوزن، 1378: 383).



این نوع تزئین محدود به بناهای مذهبی نبوده، مناره‌ها و برج‌های ساخته شده در گوشه و کنار ایران را نیز شامل می‌گردد.

برج قابوس (شکل 9) نمونه برجسته، از نوع آجرکاری با اشکال تزئینی می‌باشد که در دشت گرگان بنا شده است. این بنا با آجرهای سخت و مقاوم ساخته شده و در آن اشکال مختلف آجر همراه با کتیبه آجری به کار برده شده است (کیانی، 1376: 45). ویژگی هنر آجرکاری در این بنا، به صورت شیاربندی می‌باشد که، آجرها را به صورت تورفتگی و بیرون نشستگی در آورده و زیبایی خاصی به آن بخشیده است. برج‌های لاجیم و رسگت در مازندران، گنبد پیر علمدار و مقبره چهل دختران در دامغان (شکل 10) نیز این خصوصیت تزئینی را دارا می‌باشند (گدار، 1366: 424/2). در همه آن‌ها آجر چینی زیبا و برجسته، به همراه نقوش هندسی و زینتی به شکل مخصوصی استفاده شده است (ویلسن، 1366: 139).



شکل 10



شکل 9

با ورود ترکان به سرزمین اسلامی، آن‌ها قلمرو خود را گسترش دادند و بار دیگر کشور ایران، مهد نیروی هنر آفرین عالم اسلام شد. آن‌ها از لحاظ بناهای ممتاز و در زمینه به وجود آوردن اشیاء زینتی، به مقام عظیمی دست یافتند (وچنسن، 1359: 195). در این میان، غزنویان سبک سامانیان را ادامه داده و آجرکاری تزئینی را در بناهای خود، به کار بردند. البته در این میان تأثیرات معماری جلگه‌های هند نیز دیده می‌شود (مینورسکی، 1364: 82). نقوش متنوع با طرح‌های حصیری، هندسی و زیگزاگ در آجرکاری این دوره به چشم می‌خورد. آجرها طوری در کنار یکدیگر قرار گرفتند که منظره نقاشی را پدید آورده و تصویری را به نمایش گذاشته‌اند. از جمله، بناهایی که با این طرح‌ها و نقوش آجری تزئین شده‌اند می‌توان به، مجموعه سنگ بست (شکل 11)، رباط ماهی، مناره‌های مسعود سوم و بهرام شاه اشاره نمود.



شکل 11

طرح‌های هندسی برای جبران یکنواختی رجهای همشکل آجرهاست و به این ترتیب در سطح تراز خوشایند و جالب ایجاد شده است (کیانی، 1362: 14). در این دوره، در کنار سبک ساسانی، که عظمت‌نمایی را در بناها نشان می‌دهد، ذائقه و سلیقه هنر ماوراءالنهر نیز مشاهده می‌شود و آن، وجود طرح‌های گچ‌بری در



فواصل آجرها، که در هم تنیده و به طور سنجیده، قرار گرفته است (بمباجی، 1376: 90-91). تا زمان سلجوقی، این هنر تزئینی ادامه یافت. دوران دوم که با آمدن سلجوقیان، آغاز شده و تا حمله مغول ادامه داشت پدیدار گشت. این هنر تزئینی در زمان سلجوقی، در خلق آثار شکوهمند معماری، نقش اساسی برعهده داشت و با فراهم آمدن موجبات سیاسی و امکانات اقتصادی، رونق و تحولاتی خاص پدید آمد. نتیجه آن بهره جستن از طرح‌ها و نقوش گوناگون، در آثار معماری این دوره بود (کاتلی، 1376: 42).

آجرکاری پرکار، با طرح‌های گوناگون را می‌توان از ویژگی‌های عمده معماری دوران سلجوقی دانست. این هنر در مسیر تکامل خود قرار گرفت و زیبایی‌های چشمگیری را پدید آورد، تا جایی که شاید بتوان از این دوران به عنوان، «دوران گسترش و تکامل هنر آجرکاری» یاد کرد. آجرهای به کار برده شده در این دوره، متناسب با کاربرد آن‌ها بوده و اشکال آن‌ها به صورت تراشیده‌ای قالبی، تخت یا گود بود. نقوش آجرها نیز در دوره سلجوقی متنوع بوده و عبارت از: مثلث، مربع، دایره، کنگره و کتیبه‌های بزرگ کوفی، که جذابیت ویژه‌ای به شکل‌های مجزا می‌داد (آیت‌اللهی، 1380: 248). این نقوش و طرح‌ها را در آثار مذهبی و غیر مذهبی می‌توان دید. یکی از برجسته‌ترین بناها که با نقوش آجری این دوره، تزئین شده برج‌های خرقان (شکل 12) می‌باشد. این بنا با آجرهای متنوع تزئین و طرح‌ها و نقوش برجسته‌ای را پدید آورده است.

از دیگر بناهایی که با این ویژگی‌ها تزئین شده‌اند می‌توان به شبستان‌های گنبد زواره و اردستان، شاهکار مسجد جامع اصفهان و بنای شکوهمند رباط شرف، اشاره نمود (شکل 13) در میان این بناها، مسجد جیرجیر (شکل 14) اصفهان، حکایت از یک نوع تزئین بسیار پرکار دارد، که با آجر و گچ همراه است و نظرها را به سوی خود جلب می‌کند (اتینگهاوزن، 1378: 163). به کاربردن تزئینات زیبای آجرکاری بر روی گنبد، از دیگر تحول آجرکاری در دوره سلجوقی می‌باشد، که به طور فراوان می‌توان دید. گنبد مسجد گلپایگان و مسجد زواره (شکل 15) دارای تزئینات برجسته کاری با آجر می‌باشد که این تحول را نشان می‌دهد. علاوه بر نقوش مختلف و متنوع هندسی، ایجاد کتیبه‌های آجری نیز از مشخصات تزئینی بناهای دوره سلجوقی می‌باشد که به طور چشمگیر در انواع خط، فراهم شده است (نصیری انصاری، 1350: 162).



شکل 13



شکل 12



شکل 15



شکل 14



استفاده از، قطاربندی‌ها و ایجاد طاق نماهای تزئینی، متناسب با حجم و شکل بدنه و گنبد، که توانسته هم آهنگی استادانه را فراهم نماید و موقعیت ممتازی را برای آثار هنری این دوره به وجود آورد. از بهترین نمونه های آن، به گنبد سرخ مراغه (شکل 16) می توان اشاره نمود (کیانی، 1376: 68). در این بنا و بناهای مشابه آن، تزئینات آجرکاری به صورت فرو رفتگی و برآمدگی ها درآمده که باعث سایه روشن های جالب گردیده و زیبایی خاصی به آن ها بخشیده است (نصیری انصاری، 1350: 162). از دیگر ویژگی ها و تحولات هنر آجرکاری دوره سلجوقی، رواج ستون های تزئینی آجری در بنا می باشد که با طرح ها و نقوش مختلف تزئین شده است.

برج خرقان و گنبد سرخ مراغه با ستون های زیبای آجری تزئین شده و علاوه بر آن در رباط ها و کاروانسراهای این دوره نیز، این ویژگی تزئینی را می توان دید. در رباط شرف (شکل 17) وجود ستون های کوچک آجری را می توان دید که جنبه قالب یا کنده کاری را دارند و البته در بین آجرها، هنر گچ بری نیز به کار رفته و با آن هماهنگ شده است (گدار، 1366، 193-194). در ادامه بررسی تحول هنر آجرکاری در دوره سلجوقی به استفاده از کاشی های رنگی در کنار آجر می توان اشاره نمود که توانسته با نقوش و شکل های مختلف زینت خاصی به بناهای این دوره ببخشد. مناره گر (شکل 18) نمونه خوبی برای این نوع تزئین می باشد (اتینگهاوزن، 1376: 163).



شکل 18



شکل 17



شکل 16

سیر تحول هنر آجرکاری را در دوران کوتاه مدت خوارزمشاهیان و بر روی بناهای آن نیز می توان مشاهده نمود. این آثار بیشتر در نواحی شرقی ایران، از جمله خراسان می باشد. مسجد زوزن (شکل 19) یکی از برجسته ترین بناهای آجری قرن ششم هجری در جنوب شرقی بخش خواف و متعلق به این دوره است (مقری، 1359: 98).



شکل 19



هنر آجرکاری تزئینی را در ایوان، محراب و طاق آن می‌توان دید، که به همراه کاشی، منظره زیبایی را پدید آورده است. آجر در این بنا به اشکال هندسی، گل و کتیبه پرداخته شده و توانسته هنر تزئینی زیبایی را به وجود آورد (کیانی، 1366: 67). با توجه به آنچه گفته شد، هنر تزئینی آجرکاری در بناهای قرون 4 تا 6 هجری بسیار متنوع و دارای سبک، طرح و نقوش متنوع می‌باشد. این مسئله تحت تأثیر عوامل مختلف، از جمله مذهب، حکومت‌های قدرتمندی چون سلجوقیان و توجه امراء و وزراء به ساختن و برجسته نمودن بناهای مذهبی و حکومتی خود، بوده است. با یورش مغولان روند هنرهای تزئینی در معماری، از جمله آجرکاری متوقف شد و بعد در زمان ایلخانیان، رشد و خلاقیت خود را آغاز نمود.

نتیجه‌گیری

ایران سرزمین هنر و تمدن بوده و این را از روی آثار بجای مانده در قالب هنرهای مختلف از جمله هنر تزئینی آجرکاری می‌توان مشاهده کرد که نشان از جایگاه ویژه آن دارد. با بررسی جایگاه و کاربرد هنر تزئینی آجرکاری در معماری ایران از قرن 4 تا 6 هجری با تأثیر بر دین و سیاست به چند نکته اساسی می‌توان اشاره کرد:

اول: کاربرد هنر آجرکاری گذشته از مصالح اصلی بنا، در تزئین و ظرافت بخشی به آن‌ها نیز مورد توجه بوده است. در واقع هنر آجرکاری در بناهای معماری نوعی حس حرکت و استحکام می‌بخشد و بناها را دارای حالتی قابل لمس تر می‌سازد.

دوم: هنر تزئینی آجرکاری در قرون 4 تا 6 هجری دارای سبک، طرح و نقوش متنوعی می‌باشد که تحت تأثیر عواملی چند از جمله دین و سیاست قرار گرفته و در بناهای متعدد مذهبی و حکومتی مانند مساجد، مقابر و کاخ‌ها قابل مشاهده می‌باشد.

سوم: قرون 4 تا 6 هجری را می‌توان به عنوان دوران شکل‌گیری و تکوین هنرهای تزئینی معماری از جمله آجرکاری یاد کرد طوریکه آثار معماری بیشماری را با تزئین هنر آجرکاری را به بیننده معرفی می‌کند.

چهارم: استفاده از هنر تزئینی آجرکاری با طرح‌ها، نقوش و سبک‌های متعدد در بناهای معماری قرن 4 تا 6 هجری ایران، گذشته زیبایی نمایی بنا موجب رونق و شکوفایی و مطرح شدن شهرهای ایران نیز در این دوره گردیده است.

پنجم: هنر آجرکاری در ایران دوره اسلامی یک هنر تلفیقی نیز بوده و با تأثیر پذیری از هنر دوره ایران باستان و تمدن‌های همجوار شکل گرفته و با ظرافت و ذوق هنرمندان ایرانی به شکوه و عظمت رسیده و سبک ویژه و جدیدی را نمودار ساخته است. تلاش و هنرمندی آن‌ها باعث پدید آوردن آثاری بی‌بدیل در زمینه هنر آجرکاری بر روی انواع ابنیه گردیده است. تداوم هنر آجرکاری به عنوان یک ضرورت هنری می‌تواند مورد توجه و اهمیت باشد.



منابع و مأخذ

- [1] آیت اللهی، حبیب الله، تاریخ هنر، تهران، بین المللی الهدی، 1380.
- [2] اتینگهاوزن، ریچارد، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، سمت، 1374.
- [3] اتینگهاوزن، ریچارد، اوج درخشان هنر ایران، ترجمه روبین پاکباز، تهران، آگاه، 1379.
- [4] باوندیان، علی، حکمت هنر اسلامی، مشهد، گوتنبرگ، 1383.
- [5] بمباچی، م، هنر سامانی و غزنوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، 1376.
- [6] پوپ، آرتور، معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدر افشار، تهران، اختران، 1382.
- [7] پیرنیا، محمدکریم، آشنایی با معماری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه علم و صنعت، 1374.
- [8] جنسن، و هب تاریخ هنر، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، انقلاب اسلامی، 1359.
- [9] جی، آیویل، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه حسن انوشه، ج 5، تهران، امیرکبیر، 1371.
- [10] خاتم، اسماعیل، معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقی، تهران، ساجد، 1379.
- [11] دوری، کارل جی، هنر اسلامی، ترجمه رضا بصیری، تهران، فرهنگسرا، 1363.
- [12] کاتلی، مارگریتا، هنر سلجوقی و خوارزمی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، 1376.
- [13] کیانی، محمدیوسف، تاریخ معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، ارشاد اسلامی، 1366.
- [14] کیانی، محمدیوسف، تزئینات وابسته به معماری دوره اسلامی، تهران، سازمان میراث فرهنگی، 1376.
- [15] کیانی، محمدیوسف، مقدمه ای بر کاشیکاری ایران، تهران، موزه رضا عباسی، 1362.
- [16] گدار، آندره، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سرو قد مقدم، ج 2، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس، 1366.
- [17] گشایش، فرهاد، تاریخ هنر ایران و جهان، چاپ هفتم، تهران، عفاف، 1382.
- [18] ماهرالنقش، محمود، آجرکاری در ایران، فصلنامه نصر، شماره 47، 1380.
- [19] مقری، علی اصغر، بناهای تاریخی خراسان، مشهد، اداره کل فرهنگ خراسان، 1359.
- [20] مصطفوی، سید محمد تقی، نگاهی به هنر معماری ایران، تهران، شرکت سهامی سیمان، بی تا.
- [21] مینورسکی، فراز و نشیب در زمینه هنر ایران، ترجمه یعقوب آژند، فصلنامه هنر، شماره 10، 1364.
- [22] نصیری انصاری، محمود، سیری در معماری ایران، تهران، هنر سرای عالی، 1350.
- [23] ویلسن، کریستی، تاریخ صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریار، تهران، بی نا، 1317.
- [24] هوک، ج، سبک شناسی معماری در سرزمین های اسلامی، ترجمه پرویز و رجاوند، تهران، علمی و فرهنگی، 1375.
- [25] هیل، درگ و اولگ گرابر، معماری و تزئینات اسلامی، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، علمی و فرهنگی، 1375.

